

باید منعقد شود و باین کار رسیدگی کند
حاج ملا شمس الدین تلگرافی از عراق مغایره
نموده اند و از نمایندگی استعفا داده اند قرائت
می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

توسط جناب اجل آقای حاج سهم الملك نماینده
محترم عراق مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی
شیدالله ارکانه .

بواسطه اصرار اهالی در اقامت و بعضی امورات
شخصی از نمایندگی مجلس مقدس استعفا مینمایم و
از خداوند تعالی مسئلت مینمایم که آنچه از قدرت خود
میدانم از خدمت باسناد مقدس و حفظ آسایش
هامه آبی غفلت نکنم - شمس الدین الحسینی

رئیس - آقایان قبل از اینکه تشریف ببرند یک نفر
بجای آقای سردار منصور به عضویت کمیسیون قوانین
مالیه و یک نفر بجای آقای حاج امیر نظام برای
کمیسیون نظام معین خواهند فرمود دو نفر ناظر
هم الان بقرعه معین میشود

(آقایان سلیمان میرزا و حاج شیخ محمد حسین
استرآبادی بحکم قرعه معین شدند)

رئیس - دستور روز شنبه مذاکره در طرح
قانونی راجع بمنع خروج مسکوکات طلا و نقره و
بقیه قانون راجع به پست مخالفی نیست

مقتضی السلطنه - بنده عقیده ام اینست که اگر
تصویب بفرمایند قانون تشکیلات وزارت مالیه هم
برای شور دوم بمجلس بیاید چونکه وضع مالیه خیلی
بی ترتیب است و اگر این قانون زودتر از مجلس
بگذرد بهتر خواهد بود

سردار معظم مخبر - کمیسیون قوانین مالیه
برای روز شنبه نخواهد رسید

رئیس - چون میدانستم حاضر نیست از این
جهت جزء دستور عرض نکردم از آقایان خواهش
دارم در موقع افتتاح جلسه سر وقت حاضر شوند
(مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته
ختم شد)

جلسه ۴۴

**صورت مشروح مجلس روز
شنبه ۲۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۷**

مجلس تقریباً دو ساعت ونیم قبل از غروب در
تحت ریاست آقای موتمن الملك تشکیل و صورت
مجلس روز پنجشنبه ۲۱ قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقای حاج امام جمعه - آقای
حاج سید اسدالله قزوینی - حاج شیخ اسمعیل - آقای
حاج میرزا اسدالله خان

غائبین با اجازه آقایان مرآت السلطان - وقار
السلطنه - حاج میرزا فضلعلی آقا - طباطبائی

رئیس - در صورت مجلس آقایان ملاحظاتی
دارند یا نه (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت
مجلس تصویب شد راجع به پیشنهاد آقای سلیمان
میرزا در باب منع صدور مسکوکات که به هیئت دولت
فرستاده شد از قرار معلوم هیئت دولت هم موافق
است در این صورت بایستی در موقع تنقیس کمیسیون
قوانین مالیه منعقد شود ماده که لازم است نوشته شود
و بعد از تنقیس میآورند بمجلس و در این باب رأی
بگیریم عجلتاً مشغول میشویم بمذاکره قانونی

از فصل هفتم

(فقره اول از فصل هفتم بمضمون ذیل قرائت شد)
فصل هفتم - اداره پست در حمل و نقل اشیاء ذیل
مجبور نیست

اولاً اشیاء : شکستگی و اشیائی که بمحض دست
خوردن جزئی ضایع میشود

رئیس - در این فقره مخالفی هست یا نیست
(اظهاری نشد) (فقره دوم بمضمون ذیل قرائت شد)
ثانیاً اشیائی که باز کردن و محافظت آنها
مشکل است

حاج شیخ اسدالله - بعد از آنی که اداره
پستخانه امتیازی رامیگیرد و حمل و نقل اشیاء بطور
پستی منحصر با اداره پست میشود آنوقت برای بعضی
چیزهایی که حمل آن زحمت دارد عذر بیاورد و بگوید
حمل آن مشکل است و نمیتوانم حمل کنم تصور
میکنم این مطلب برای مردم خالی از اشکال نباشد
یا اینکه باید مردم کلیتاً آزاد باشند از اینکه اشیاء
خود را بیست بدهند یا نه اینک وقتی با اداره پست
انحصار پیدا کرد آنوقت بگویند حمل فلان چیز مشکل
است معلوم است حمل کلیه اشیاء مشکل است باید
اداره پست که حمل اشیاء را منحصر به خود میکند
اسباب آسایش مردم را فراهم کند و بغير از آن
چیزهایی را که در فقرات ذیل مصرح است رد کردن
باقی امانات را به عنوان اینکه مشکل است بنده
صلاح نمیدانم .

مخبر - آقایان میدانند بسیاری از اشیاء هست
که اداره پست نمیتواند حمل و نقل آنها را قبول کند
فرضاً يك تختخواب یا يك چرخ اتومبیل با اداره پست
میدهند که آنها را حمل و نقل نماید البته حمل آنها
از برای اداره پست خیلی مشکل است و وسایل حمل
و نقل آنها را ندارد بنا بر این اداره پست مردم را
آزاد میگذارد که بهر وسیله میتوانند این قبیل اشیاء
را حمل و نقل کنند و اداره پست مجبور نیست آنها
را حمل کند

رئیس - آقای سردار سعید و محمد هاشم -
میرزا موافقت

سردار سعید - اینکه نوشته اند اشیاء
شکستگی ...

رئیس - مذاکره در فقره ثانی است .
حاج شیخ اسدالله - اما اینکه میفرمایند
حمل تختخواب و امثال آن از برای اداره پست مشکل
است بنده عرض میکنم این يك چیزی است که ممکن
است آنرا قطعه قطعه کرد و حمل نمایند و اینکه
میفرمایند حمل و نقل بعضی اشیاء دیگر از برای اداره
پست مشکل است و لوازم حمل آن برای اداره پست
موجود نیست اگر بفرماید چهارم رجوع فرمایند تصریح
دارد باینکه اشیائی که وسایل حمل و نقل حاضر برای
حملشان کافی نیست اداره پست در حمل آن مجبور
نخواهد بود اما اینجا بطور اجمال می نویسد اشیائی
که حمل و محافظت آنها از برای اداره پست مشکل
است بنده اینجا يك چیز غریبی میدانم که اداره پست
حمل بعضی اشیاء را از عهده خود خارج بکنند و بگویند
اداره مجبور به حمل آنها نیست در اینصورت هر چه
با اداره پست بدهند و میبندند نباید حمل کند میگویند

حمل آن مشکل است و این يك چیزی است که هر چه
بخواهند وسعت بدهند میتوانند بنا بر این فقره که در
در اینجا نوشته شده زیادی است .

محمد هاشم میرزا - آن آقای حاج شیخ اسد الله در اول فرمودند
بنده تصور می کنم میگردم بخواهند بفرمایند
باینکه پست در این موارد حمل اشیاء را قبول نمی
کند چرا انحصار داده اند چنان که آقای مخبر
فرمودند بنده نیز عرض میکنم که ممکن است آن
گونه اشیاء را که حمل آن از برای اداره پست مشکل
است بوسایل دیگر حمل نمایند ولی آن قسمتی که
میفرمایند اداره پست میتواند بمیل خودش از قبول
حمل بعضی اشیاء امتناع نمایند بنده تصور نمیکنم
که اداره پست بتواند بمیل خودش از حمل بعضی
اشیاء امتناع نماید این يك چیز مشکلی نیست البته
اداره پست چیزی را که بتواند حمل میکند و بجهت
همین مطلب اداره دایر کرده است در اینصورت چه
طور امتناع خواهد کرد .

رئیس - سایر آقایان موافق هستند معلوم
میشود مذاکرات کافی است .

(فقره ثالث بمضمون ذیل قرائت شد)
ثالثاً - اشیائی که بعلمت حجم یا وزن یا طریقه
لفاف بندی حملشان توسط پست اشکال دارد

رئیس - در این باب مخالفی نیست اظهاری
نشد (فقره چهارم بمضمون ذیل قرائت شد)
رابعاً - اشیائی که وسایل حمل و نقل حاضر
برای حملشان کافی نیست

رئیس - در فقره چهارم ملاحظاتی هست یا
نیست - (مخالفی نشد و فصل هشتم به این مضمون
قرائت شد)

فصل هشتم - اداره پست با تصویب دولت
عده و مسکن و وظایف پست خانه هارا تعیین نموده
ترتیب برداشتن مراسلات را از جعبه های پستی و
ارسال و توزیع آنها مقرر میدارد .

رئیس - در فصل هشتم ملاحظاتی نیست
(اظهاری نشد) .

فصل نهم - دولت بر طبق قانون اساسی بوسیله
قرار داد های بین المللی ارتباطاتی پستی را با ممالک
خارج محکم نموده و حقوق پستی که از این بابت
دومملکت ایران باید دریافت شود تعیین مینماید .

رئیس - در فصل نهم ملاحظاتی هست .
آقا سعید فاضل - بنده عرض میکنم این
قرار داد هائی را که اداره پست راجع بقرار دادهای
بین المللی می بندد باید در تحت موادی باشد و از تصویب
مجلس بگذرد .

رئیس - آقای مدرس مخالفید .
مدرس - بنده عرض همین است این مطلب
را باختیار پست واگذار کردن که قرار دادی با
سایر دول بنماید بنده صحیح نمیدانم عرض میکنم
که این مسئله باید در تحت موادی باشد و بتصویب
مجلس برسد ابتدا ما بهیچ وزارتخانه و اداره همچو
اختیاری نمیدانیم .

مخبر - گمان میکنم که آقا در اینخصوص
دقتی فرموده اند بواسطه اینکه بعضی قرار دادهای
بین المللی که میشود چیزی نیست که اداره پست به
مجلس پیشنهاد کند و بتصویب بگذرد و این قرار

دادهائی که با سایر دول می نمایند چیزی هست که در تمام نقاط دنیا باید در تحت یک قانون قبول شود و اداره یست ناگزیر است که موافق همان قرارداد هائی که آنها میدهند و مطابق قراردادهای کنگره که هر چند سال یکمرتبه در یکی از پایتخت های دنیا تشکیل میشود و نمایندگان تمام دول در آنجا میروند مجبورند آن قراردادها را با حضور نمایندگان دول ببندند و اجراء بکنند و این چیزی نیست که بشود بمجلس پیشنهاد کرد .

لهذا باید بمجلس مقدس این اختیارات را با اداره یست بدهد که در موقع لزوم بتواند آن قرارداد ها را ببندد .

مدرس - ما باید آنچه که از ادارات خودمان اطمینان نداریم که با دول دیگر یک قراردادی ببندند و همچو اختیاراتی بآنها نمیدهیم و بنده این مطالب را جدأ می گویم میخواهند بدهند نمی خواهند ندهند .

معدل الدوله - اگر این قراردادی کدر این ماده ذکر شده فقط قراردادی بود که از طرف اداره یست و از طرف دولت ایران با یک دولت دیگری بسته میشد البته همینطور که آقا میفرمایند لازم بود که مجلس نظریات خودش را در آن قرارداد بکند و مصالح امور مملکتی را در نظر بگیرد و آن قرار داد را تصویب کند ولیکن باید فهمید که این قرار داد با دول خارجه و تمام دول روی زمین است و این قرار داد مطابق روابط مشترکه بین المللی است که باید در تحت یک مواد مشترکه بین المللی محفوظ بماند اگر درست دقت بکنیم میبینیم که از برای ما خیلی صلاح است که خود را با ممالک متمدنه ارتباط بدهیم و در منافع عمومی اشتراك بنمائیم همینطور که ما متوقع هستیم تمبر یست ما در این مملکت و در تمام دنیا و اقطار عالم جاری باشد باید بیک قرارداد کلی مشترکه هم که تمام دول بر طبق آن یست مخصوص قرارداد اند نظر داشته باشیم و شرکت بکنیم و نظریات و دقت در آن قرار داد بکنیم از اختیار شخصی اداره یست خارج است و مربوط به آن هیئت و آن اشخاص است که از طرف تمام دول نمایندگی دارند و آن قرار داد در تحت قوانین بین المللی بسته میشود و چیزی نیست که بر ضرر ما بسته شود زیرا معامله بین دونفر و دو دولت نیست بلکه قرارداد تمام دول روی زمین است در اینصورت گمان میکنم این ماده که نوشته شده کافی است .

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است بنده هم تصدیق دارم قرارداد های بین المللی یک مطلبی است از اختیار اداره یست و مجلس خارج است و مملکت ایران نباید روابط اداره یستیش با تمام دول دنیا محکم و بر قرار باشد - اما کلام در این است که داخله هر مملکتی باید مقدار حقوق دریافتی امانات و کفدهائی کرد و بدل میشود موافق قرارداد داخلی خود آن مملکت باشد مثلاً ممکن است در داخله مملکت ایران یک قراردادی از برای حقوق یستی باشد کدر ممالک دیگر کمتر یا بیشتر بگیرند این یک قراردادی نیست که یک دولتی با دولت دیگر داخل مذاکره

شود و یک حقوقی از برای یست خودش معین بکند و اداره یست نمیتواند خودش مستقیماً تعیین آن حقوق را بکند و بموجب آن قرارداد بین المللی حقوق یستی را خودش معین کند

زیرا در آن قرارداد بین المللی این مطلب مجرز نیست اگر مجرز باشد دیگر لازم نیست اختیار فوق العاده با اداره یست بدهیم بلکه همینقدر اجازه میدهیم که همان قرارداد بین المللی معمول و مجری باشد و اینکه اظهار میشود راجع بقره اخیر است که بنویسد حقوق یستی را کدر مملکت ایران باید دریافت شود تعیین نماید تعیین این حقوق باید در ضمن موادی باشد که از تصویب مجلس میگذرد نه این طور که نوشته شده است

رئیس - نوشته شده است بر طبق قانون اساسی اگر قانون اساسی اجازه میدهد که دولت بدون اجازه مجلس این کار را بکند میکند و اگر قانون اجازه نمیدهد که بمجلس خواهند آورد

حاج شیخ محمد جواد - بنده میخواستم عرض کنم بعد از آنکه دولت میخواهد بر طبق قانون اساسی قراردادی بدهد رجوع بقانون اساسی میکند تا هر اندازه که قانون اساسی با اجازه داده است آن کار را میکند و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که مقصود تعیین حقوق است و باید حقوق یستی در مجلس معین شود بنده عرض میکنم حقوق دو قسم است یک حقوق برای داخلی مملکت معین میشود و همین است که در آن قانون نوشته شده است و یک حقوقی است راجع به مراسلاتی که باید بخارجه برود آن حقوق بموجب قرارداد بین المللی خواهد بود

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد - در فصل هشتم آقای سردار سعید پیشنهاد کرده اند که فقره ثانی و ثالث یکی شود و گمان میکنم محتاج برای نباشد زیرا اصلاح عبارتی است

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل فراموش شد)
بنده پیشنهاد میکنم دو فقره ثانی و ثالث در فصل هفتم قانون یستی یکی نوشته شود با این طریق (اشیائی که بار کردن و محافظت آنها مشکل یا بعلت حجم یا وزن یا طریقه لفاف بندی حملشان متمتع باشد .

مخبر - در کمیسیون اصلاح میکنیم
رئیس - رجوع میشود بکمیسیون فصل دهم قرائت میشود (اینطور خوانده شد)

فصل دهم - اداره یست مجاز است که برای احداث یست مقرری بحری فیما بین مملکت ایران و نواحی ماوراء البحر با اشخاص مختلفه قرارداد مخصوص بگذارد .

سردار معظم - بنده تصور کنم اگر بعد از لفظ جمله (در حدود مقرر قانون) نوشته شود بهتر باشد یعنی اگر لازم شد نظر وزیر یست و سایر مقامات مربوطه دیگر در بین باشد و الا مطلقاً بنویسیم اداره یست مجاز است خوب نیست .

مخبر - عیبی ندارد در کمیسیون اضافه می شود .

رئیس - دیگر مخالفی نیست - فصل یازدهم خوانده میشود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل یازدهم - اداره یست مجاز است که مراسلات غیر قابل توزیع را باز نماید تا بتواند اطلاعات لازم را از محتویات آنها بدست آورده مراسلات مذکور را با اشیاء و اسناد قیمتی که در جوف آنهاست بصاحبانش برساند این افتتاح در اداره مرکزی یست توسط یک نفر مدیر شعبه و در حضور دو نفر از مستخدمین یست معمول میشود مراسلات غیر قابل توزیع که صاحبی از برایش پیدا نشود پس از انقضای مدتی که تعیینش بادولت است معدوم خواهد گردید ولی یا کتھای غیر قابل توزیع زودتر از یکسال معدوم نخواهد شد

رئیس - در اینجا ملاحظاتی هست
محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم باید اولاً یک ماده نوشته شود که یا کتھای غیر قابل توزیع کدام است آنوقت این حکم را برای آنها قرار بدهیم و معلوم شود کدام قسم از نوشتجات غیر قابل توزیع است خوب است آنرا در تحت یک ماده بنویسند و معین بفرمایند تا ما بدانیم که در چه رای میدهیم و حکم آنرا معین میکنیم چیزی را که ما نمیدانیم چیست چطور حکمش را معین نمائیم .

مخبر - در این خصوص اگر بخواهیم موادی بنویسیم خیلی مشکل خواهد بود بهلاحظه اینکه نظایرش خیلی است مثلاً فرض بفرمائید یک کاغذ امروز با یست در اینجا فرستاده میشود از برای یک نقطه و بر حسب اتفاق این یست در راه دچار بسیل شد و آدرس کاغذها بکلی محوشد وقتی که آن یست بمقصد میرسد نمیدانند آنرا بکسی باید برسانند ، فرستنده هم که معلوم نیست در این صورت تکلیف اداره یست چیست برای اینکه آدرس گیرنده معلوم و فرستنده را معین کند مجبور بیاز کردن یا کت میشود که بتواند آن کاغذ را بصاحبش برساند از این ترتیبات خیلی اتفاق می افتد چون خود بنده در یست کار کرده ام این ترتیبات را خیلی دیده ام علاوه بر آن گاهی هست که یا کتھای رای آدرس فرستاده اند و فراموش کرده اند آدرس را بنویسند و همینطور بدون آدرس در صندوق یست شهری میاندازند اداره یست هم مکلف است این قسم یا کتھا را بمقصد روانه دارد و فرستنده هم معلوم نیست کیست باین جهت اداره یست مجبور است آن یا کت را باز کند از این قبیل چیزها زیاد است و نمیتوان تمام آنها را در قانون معین نمود باینجهت نوشته شد (نوشتجات غیر قابل توزیع)

سردار معظم - اگر چه مقصود همین بود که آقای مخبر بیان فرمودند اما مراسلاتی را که بواسطه واضح نبودن آدرس قابل توزیع نیست اداره مجاز است باز کند ولی عبارت بد نوشته شده است بمقیده بنده اینطور نوشته شود بهتر است .

(مراسلاتی که بواسطه نداشتن آدرس یا واضح نبودن آن غیر قابل توزیع است)

مخبر - در کمیسیون اصلاح خواهد شد .
محمد هاشم میرزا - فرمایشاتی که آقای مخبر فرمودند بنده هم میدانستم ولی عرض میکنم باید که همان نظایر و امثالی را که فرمودند از قبیل معلوم نبودن آدرس و غیره تمام آنها را در پنج شش ماده معین کنند والا نمی شود کاغذهای مردم را باز کرد زیرا این یک کاری است که برخلاف قانون اساسی اجازه میدهیم نوشتجات مردم را باز کنند

بعد از اینکه نظایر آنرا معین کردیم و دیدیم يك راه علاجی غیر از این ندارد آنوقت باز گفتند والا اینطور که نوشته شده است چطور میتوانیم رأی بهمیم بهترین است که آقای مخبر قبول کنند و این مطلب را در تحت چند ماده بنویسند بعد رأی داده شود .

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده گمان میکنم این فصل این مطلب را خیلی خوب واضح کرده است مخصوصاً غیر قابل توزیع را بخوبی معین کرده است بنویسند اداره پست مجاز است مراسلاتی را که بیک علتی امکان ندارد بصاحبانش برساند باز میکنند و اما آن فرمایشی را که آقای محمد هاشم میرزا فرمودند و بنده تصدیق دارم و عرض میکنم برای هر يك از فصول این قانون در نظامنامه ترتیبی معین میشود و اقدام مراسلات غیر قابل توزیع تماماً معین میشود حالا اگر ما بخواهیم مطالب راجع بپذیر قابل توزیع در قانون بنویسیم شاید پس از اینکه قانون تصویب شد ممکن است یکوقتی يك مطلب دیگر هم پیش بیاید غیر از آنچه در قانون معین شده است آنوقت اسباب اشکال میشود ولی نظامنامه داخلی اداره که می نویسد مراسلات غیر قابل توزیع کدام است اگر يك روزی يك مطلب دیگری پیش آمد می تواند بموجب همین فصل در نظامنامه همان مطلب را معین کند

ارباب کبخیخرو - این عبارتی را که آقای معاون خواندند در اینجا نبود نمیدانم از کجا خواندند در هر صورت آن کسانی که مخالفت دارند در عبارت مخالفند یعنی این عبارت که میگوید غیر قابل توزیع چون توضیحی ندارد ممکن است هر طوطی بخواهند تعبیر کنند و باعث اشکال عمومی شود .

رئیس - مذاکرات کافی است (گفته شد کافی است) .

(بیشهاد آقای سردار معظم بمضمون ذیل قرائت شد) در فصل یازدهم نوشته شود - اداره پست مجاز است مراسلاتی را که بواسطه معلوم نبودن گیرنده و یا مشخص نبودن فرستنده در صورت احتیاج بپسترد نمودن آن باز نماید تا بتواند الی آخر . . .

معاون وزارت پست و تلگراف - مفاد این پیشنهاد عین مفاد قانونی است که وزیر پیشنهاد کرده است .

رئیس - پس میخواهید برگردد بکمیسیون .

مخبر - برگردد بکمیسیون اصلاح میشود **رئیس -** ارجاع میشود بکمیسیون فصل دوازدهم بمضمون ذیل قرائت میشود

فصل دوازدهم - وجوهائی که با اداره پست سپرده میشود و وجهی که دریا کنهائی غیر قابل توزیع یافت میشود پستخانه بهیچوجه نمیتواند بصاحبانش برساند پس از انقضای مدت ۳ سال از تاریخ تحویل به پست خانه ضبط خزانه دولت میشود و همچنین اشیاائی که در امانات پستی غیر قابل توزیع یافت میشود و صاحبان آنها معلوم نیست به ترتیب و مدتی که اداره پست معین مینماید بفروش رفته قیمت آنها در صورتی که از طرف صاحبانشان مطالبه نشود پس از انقضای موعده فوق الذکر متعلق بخزانه دولت خواهد بود

مدرس - اینجا نوشته اند وجوهات بعد از مدتی ضبط خزانه دولت میشود این یکی از عایدات پستخانه نخواهد بود بل ضبط دولت میشود ولیکن باید

بمصارف خیریه عمومی برسد لهذا پیشنهادی کرده ام که يك کلمه بر این عبارت افزوده شود .

مخبر - اینکه میفرمایند تکلیف اداره پست نیست تکلیف اداره پست این است که بخزانه دولت تسلیم کند پس از آنکه تسلیم خزانه دولت کرد دولت بهر طوریکه صلاح میداند بمصرف برساند مختار است راجع با اداره پست نیست که اینکار را بکند و نباید در قانون پستی تصریح شود .

ارباب کبخیخرو - در اینجا نسبت باین کلمه که آقای مخبر اظهار کردند که خزانه دولت هر قسم میخواهد بمصرف رساند آزاد است میخواستیم عرض کنم اینطور نیست که هر قسم خزانه داری بخواهد رفتار کند - و اما ایرادی که بنده نسبت باین عبارت داشتم اینست که اینجا نوشته اند وجوهائی که با اداره پست سپرده میشود این وجوهات در يك نقطه به پستخانه سپرده میشود که نقطه دیگر برساند فرضاً اگر در يك نقطه مقابل صاحبش پیدا نشود در نقطه اولی که پیدا خواهد شد چگونه میشود که صاحبش پیدا نشود .

مخبر - فرض بفرمائید از این جا امانتی فرستاده میشود بقم وقتی که امانت بقم میرسد آن کسی که باید بگیرد مسافرت کرده است و کبلی هم معین نکرده آنوقت این امانت بر میگردد بدقت پست که مرستاده شده در آن جا هم میخواهند بصاحبش که فرستاده بدهند او هم مرده با مسافرت کرده و کبلی هم معین نکرده است پس در این صورت تکلیف اداره پست چه خواهد بود در این صورت ناچار است باین ترتیب رفتار کند .

سلطان العلماء - اینطوریکه آقای مخبر فرمودند از اتفاقات نادره است در صورتیکه اداره پست نتوانست وجوه سپرده شده را بصاحبش برساند خوب است وجوه سپرده شده را بدقت فرستاده مسترد دارد که تقبلیش حال صاحب اول و یا وکیل آن را مینماید در این صورت بخزانه داده نخواهد شد

مخبر - این مسئله گویا در اینماده کاملاً تصریح شده و این از برای مواردی است که صاحبش پیدا نشد آنوقت باین ترتیب رفتار میکند مسلم است بعد از آنکه تقبلیش خود را کرد و گیرنده یا فرستنده یا وکیل آنها را پیدا نکرد و هیچ شکل نتوانست آنرا به صاحبش برساند آنوقت باین ترتیب رفتار خواهد کرد

رئیس - مذاکرات کافی است یا کافی نیست (گفته شد کافی است) دوقطره پیشنهادی است یکی از طرف مدرس و یکی از طرف عماد السلطنه قرائت میشود (بیشهاد آقای مدرس بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که بعد از (ضبط خزانه دولت میشود) زیاد شود .

و بر طبق مقررات قانونی بمصرف خیرات عمومی خواهد رسید .

رئیس - در پیشنهاد آقای مدرس چه میفرمائید قبول دارید یا رای بگیریم

معاون وزارت پست و تلگراف - جواب این پیشنهاد که داده شد باید رأی گرفته شود

اینست که يك عبارتی نوشته شود که بعد از آنکه بخزانه دولت داده میشود معلوم شود که جزء عایدات پست خانه نیست مالی است بی صاحب و مال بیصاحب در مملکت ما ملك دولت نمیشود باید مصارف عمومی یعنی دارالمعززه مدرسه ایتم و این قبیل چیزها برسد و اگر يك عبارتی اینجا نوشته شود که مبهم باشد آنوقت تصور میشود جزو عایدات پستی است و مثل سایر عایدات دولت بمصارف و مخارج دیگر خواهد رسید و حال آنکه مصرف خصوصی این مال مصرف علیحده است در دوره سابق هم از این قبیل مطالب نوشته است گویا خاطر بعضی از آقایان نیست باز هم عرض میکنم این جور پول ها مال دولت نخواهد بود و باید صرف دارالمعززه و دارالایتم بشود

معاون وزارت پست و تلگراف - از فرمایشی که آقا فرمودند بنده هیچ داخل مذاکره نمیشوم و عرض میکنم این مسئله ربطی بقانون پستی ندارد و در این موضوع شاید بنده هم کمال موافقت را داشته باشم ولی وقتی که بنا شد در قانون پست نوشته شود وقتی که صاحبش پیدا نشود باید بفلان مصرف برسد آن کسیکه باید بمصرف برساند کجاست اداره پست که نخواهد بود اداره پست این وجه را بصندوق دولت میدهد اگر بخواهند در این باب پیشنهادی بنمایند باید قانونی از برای مساله وضع کنند که این قبیل وجوهات بچه مصرف برسد والا اداره پست که نمی تواند آن پولها را بآن مصارفی که میفرمائید برساند .

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - پیشنهاد آقای عماد السلطنه قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم در فصل ۱۲ بعد از کلمه (مدت سه سال) اعلان درج را باید هم علاوه شود

مخبر - بنده هم این مطلب را قبول میکنم غیر از این هم مقصودی نبوده است (فصل سیزدهم بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل سیزدهم - فرستنده هر شیئی حق دارد که بمرسول خود را از پستخانه پس بگیرد یا آنکه از اداره بخواهد که آن شیئی مرسل ب شخص دیگری غیر از صاحب و عنوان اولش داده شود یا آنکه بجهل دیگری فرستاده شود ولی وقتی که مرسل بجهل مقصد رسید و صاحب عنوان اولی از ورود آن مطلع گردید یا از پستخانه مطالبه کرد دیگر بدون رضایت او فرستنده نمی تواند هیچ تصرفی در مرسل خود بنماید .

سلطان العلماء - لازمه این مطلب این است که تا فرستنده اجازه ثانوی نداده باشد بتواند ومختار باشد مرسل خود را پس بگیرد مثلا بنده يك چیزی برای زید میفرستم بعد مطلع میشوم که ورشکست شده چه مانعی دارد که نتوانم پس بگیرم

معاون - گمان میکنم این فصل همان مقصود آقا را میپوراند بجهت اینکه مادامیکه این امانت بدست آنطرف نرسید فرستنده حق دارد اینکار را بکند البته وقتی که آن مال بدست آن شخص رسید آن مال مال او خواهد شد و از دست کسی که

داده خارج شده و بمالکیت آن شخص که آن شیئی را دریافت کرده در آمده است و دیگر اداره پست نمیتواند آن شیئی را از آن شخص پس بگیرد **حاج شیخ اسدالله -** آقای معاون تصدیق کردند که تا بدست طرف نرسیده فرستنده حق پس گرفتن را دارد بنده از آقای معاون خیلی تشکر میکنم زیرا که بعضی از عرایض را تصدیق کردند ولی اینجا مقصود ایشان نوشته نشده اینجا مینویسد تا وقتی که طرف از ورود آن مطلع شده و مطالبه کرد بنابراین مطابق فرمایش خودشان باید عبارت اصلاح شود

معاون - البته تمام آقایان مسبقند که اداره پست بچه ترتیبات اشیا را میفرستند اداره پست آن قبض است که در جوف پاکت میگذارند و از برای طرف میفرستند بعد از آنکه آن قبض بدست طرف رسید مال مال طرف میشود بچه علت بملت اینکه بعد از آنکه مال مسروق یا تلف نشود همان سند دولت را با اداره پست میآورد و وجه فراموش دریافت مینماید پس آن سند سند مالی است که او به پستخانه داده و بعضی آنکه آن سند بدست او رسید و مطلع شده که این امانت رسیده حق مطالبه دارد و اگر امانت هم بیک علتی در پستخانه مانده باشد مادامی که سند بدست او است آنوجه متعلق با او و مالکیت او است

حاج شیخ اسدالله - این فرمایش که آقای معاون فرمودند غیر از فرمایش اول بود فرمایش اولشان این بود که تا زمانی که بدست طرف نرسیده فرستنده حق مطالبه دارد و حالا می فرمایند بعد از آنکه قبض فرستاده شده باشد و بدست طرف رسیده باشد آن وقت اداره پست ضامن است و شخص گیرنده بموجب آن قبض که در دست دارد و میتواند مطالبه کند بنده عرض میکنم اگر مقصود سند است فرستنده هم همان سند را در دوامی که بدست طرف رسیده در ملکیت شخص فرستنده باقی است و تا وقتی که بتصرف گیرنده در نیامده مالکیت فرستنده خارج نمی شود و می تواند انواع تصرفات را در آن بکند میتواند بتوسط خود اداره پست تلگراف کند که این امانتی که باسم فلان فرستاده شده است بفلان بدهند این مسئله را باید ملاحظه کرد و در اینجا باید نوشته شود تا زمانی که بدست طرف نرسیده حق دارد تا اینکه مطابق با موازین شرعیه هم باشد

معاون - اگر اینطور باشد يك ترتیبی پیش میآید که بکلی اداره پست بی اعتبار می شود برای اینکه میفرمایند هیچ وقتی بسند پست ننگاریم و حال اینکه مقبوض پست را يك چیز مهمی می شماریم و باز هم عرض می کنم اداره پست که امانت مردم را می برد وقتی که قبض اداره پست بآن شخص رسید آن قبض حکم يك براتی را دارد و اداره بهیچوجه نمی تواند قبض خود را رد کند و بگوید بتوسط دیگری رد شد بنده تصور میکنم که این ماده خیلی لازم است و اگر فریاز این باشد اداره پست دارای هیچ اعتباری نخواهد بود

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

فصل چهاردهم - امتیاز انحصاری طبع و فروش

تمبر پست و سایر علامات راجحه بمقوق پستی با اداره پست است

سردار معظم - اینکه مینویسد امتیاز انحصاری فروش تمبر منحصر با اداره پست است بنده این امر مختص بدولت است با اداره پست نیست منتها این است که بتوسط اداره پست اجرا میکند و عقیده بنده اینست که این ماده باید اصلاح شود و بجای لفظ اداره پست دوست نوشته شود مطلب دیگری هم هست که آهم خالی از اشکال نیست و آن معاوضه و قبول کردن تمبر پستخانه است که باید در هر موقع بخواهند با تمبر های دیگر معاوضه کنند اداره پست معاوضه نماید با هر وقت پول انرا بخواهند بدهد با وجود اینکه تمبر پست اختیار انحصاری با دولت است تمبر را با تمبر دیگر معاوضه نمیکند و در عوض پول نمیدهند و این مسئله بهیچوجه صحیح نیست بجهت اینکه این تمبرها در واقع سند دولت است و معتبر است و باید پستخانه تمبرها را هم عوض پول قبول کند و هم با تمبر های دیگر مبادله کند لهذا برای این دو مسئله بنده پیشنهادی کرده و تقدیم نمودم

رئیس - آقای معاون در این باب اظهاری ندارید .

معاون وزارت پست و تلگراف - چرا پیشنهادشان خوانده شود بمقتضیات خودم را عرض میکنم (بیشهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل چهاردهم - امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر پست و سایر علامات راجحه بمقوق پستی با دولت است بنابراین اداره پست خانه مکلف است بقبول کردن تمبر در عوض وجوه نقدی و معاوضه تمبر است .

معاون - اولاً در این موضوع که میفرمایند باید لفظ اداره پست برداشته شود و لفظ دولت نوشته شود اداره پست هم خود دولت است بجهت اینکه اداره پست یکی از ادارات و در تحت ریاست و وزارت يك وزیر مشغولی است اگر این طور باشد که ایشان میفرمایند پس باید در تمام مواد این قانون لفظ دولت نوشته شود مقصود اداره پست در این قانون همان دولت است اما در خصوص معاوضه تمبر نمیشود گفت صورت قانونی داشته باشد بخصوص در این مملکت زیرا بعضی اوقات اداره پست مجبور میشود که نمی تواند تمبر را به تمبر دیگری تبدیل کند بجهت اینکه در این مملکت گاهی بعضی سرفتها میشود و تمبرها را میدزدند و وقتی که تمبرها بسرقت رفت اداره پست مجبور است برای پیدا کردن سارق و برای اینکه بداند تمبر هادر کجا سرقت شده و کجا رفته و چه حالی پیدا کرده مجبور است گاهی مبادله تمبر را موقوف کند در این صورت گمان میکنم این مسئله را تصدیق فرمایند و اشکالی نداشته باشد ولی البته در نظامنامه اداره این مسئله ذکر میشود و اداره پست تمبر بزرگ را به تمبر کوچک و همچنین با پول تبدیل میکند و حکم پول را خواهد داشت

سردار معظم - بنده خیلی متأسفم که این فرمایشات آقای معاون بنده را قانع نکرد اینکه میفرمایند اداره پست از طرف دولت است و این يك حقوقی که راجع با اداره پست است عرض می کنم بعضی حقوق هست که مختص با اداره پستخانه است و

يك حقوقی است که منحصر بدولت است و آن مطالب را اگر دولت خواست ممکن است بتوسط اداره پست اجرا میکند ولی آن دلیلی که آوردند که اداره پست گاهی بواسطه سرقت نمی تواند تمبر ها را بپذیرد و عرض میکنم باین واسطه و باین وسیله بهیچوجه از سرقت جلوگیری نمیشود و زیرا اگر يك کسی يك مقداری تمبر در این جا دزدیده باشد ممکن است در جاهای دیگر آنهارا بفروش برساند این مطلب هیچ محل اشکال نیست و از این مدنظر نمیشود از سرقت جلوگیری کرد ولی اگر دولت تمبر خودش را معتبر کند و منحصر بخودش بکند و بگوید که این تمبر من در تمام ولایات رواج است طبعاً مکلف است که تمام وسائل اطمینان آن ورقه کوچک را فراهم بکند مثلا بنده يك تمبر پنج قرانی خریدم و امروز محل احتیاج من نیست باید حق داشته باشم که بروم با اداره پست بگویم که این تمبر پنجقران را بگیرد چندان تمبر دیگری بدهد یا اگر فرضاً بنده قدری خریدم و حاضر دارم بعد از اینکه من او را با اداره پست پس دادم باید پولی که از من گرفته است همان پول را بمن پس بدهد والا اگر غیر از این باشد تمبر معتبر نخواهد بود حالا اگر يك سرقتی واقع شود باین جهت بگذرری بدولت متوجه شود ممکن است دولت تمبرهایش را عوض کند و از این امورات جلوگیری نماید ولی بمجرد اینکه ممکن است که يك سرقتی شود دولت تمبر خودش را قبول نکند بنظر بنده خیلی چیز غریبی است

معاون وزارت پست و تلگراف - گمان میکنم این فرمایشاتی که فرمودند بآن چیزهایی که بنده عرض کردم مخالف نبود بنده عرض نکردم تمبر مختص بدولت نیست و عرض نکردم مبادله نمی شود تمبر دولت حکم پول را دارد و همه اوقات عوض میشود با تمبر کوچک هم مبادله میشود عرض کردم در بعضی از مواقع اداره پست مجبور است موقتاً مبادله تمبر را موقوف کند اما اینکه میفرمایند اگر چنانچه اینطور اتفاق افتاد سرقتی شد خوب است دولت فوری تمبرش را عوض کند تمبر را نمیشود آنی فوری عوض کرد مثلا در يك نقطه پنجاه هزار تومان تمبر سرقت میشود دولت فوری نمی تواند تمبر را عوض کند در آن صورت مجبور میشود حکم بدهد موقتاً تمبر را تبدیل نکند و الا تبدیل تمبر بیول با تمبر بزرگ به تمبر کوچک همیشه معمول است اما اینکه فرمودند چطور میتواند از این راه سارق را پیدا کرد بنده عرض میکنم فوراً پیدا میکنند زیرا بعد از اینکه این حکم بطور موقت داده شد که تمبر را بیول تبدیل نکنند آنوقت شخص سارق مجبور است آن تمبرها را در روی پاکت استعمال کند .

چون اداره پست يك ترتیبی دارد و يك دفاتر و ثبت هائی دارد از روی همان دفاتر فوراً سارق را پیدا میکنند ولی چنانچه عرض کردم این مسئله در نظامنامه اداره مسلماً تصریح خواهد شد ولی نوشتن آن در قانون مستلزم این عیب خواهد بود اما در آن قسمتی که فرمودند اختیار طبع تمبر نباید با اداره پست باشد عرض میکنم اداره پست حالیه هم که قانون نگذاشته است بدون حکم دولت و دستور العمل هیئت وزرا (گمانند) نمیدهد و مسلم است هر

وقت تبر وارد شود با اجازه وزراء و حکم دولت خواهد بود و همیشه تعیین شکل و مقدار آن تمبری که لازم است بحکم دولت و اداره پست هیچوقت تا کنون بدون اجازه وزراء داخل این مطالب نشده است .

رئیس - گویا موقع رسیده باشد کدر پیشنهاد رأی بگیریم .

مخبر - بفرستند بکمسیون در آنجا ملاحظاتی شود .

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود .
(باین مضمون قرائت شد)
فصل یازدهم - افتتاح کلیه اشایی که به پستخانه سپرده میشود باستثنای موقعی در فصل یازدهم تصریح شده و انکشاف مندرجات مراسلات بهر وسیله که باشد و اطلاع شخص ثالثی از مرابطات اشخاص بین یکدیگر قذف آنکند است .

رئیس - در ابتداء مخالفتی هست یا نیست ؟
(مخالفتی نشد و فصل شانزدهم بمضمون ذیل خوانده شد)
(ترغفه و شرایط حمل و نقل)

فصل شانزدهم - حقوق پستی یا کت متعارفه که از زمان ارسال پول پست آن ادا شود و از داخله مملکت بداخله مملکت ارسال گردد در صورتی که بیش از دو مثقال وزن نداشته باشد شش شاهی است و برای هر مثقال یا کسر مثقال سه شاهی بر آن افزوده میشود و یا کتهائی که از یک نقطه الی دو فرسخ اطراف فرستاده میشود که در آن محل پستخانه باشد اداره پست ممکن است تخفیف در حقوق پستی بدهد ولی حقوق پستی پاکت هائی که در یک محل تحویل و توزیع میشود حداکثر ۲ مثقال ۳ شاهی و حداقل ۲ مثقال یک شاهی است و موکول بنظر اداره پست است .

رئیس - در فصل شانزدهم ایرادی هست یا نیست
مدرس - بنده لازم میدانم که این مطلب را تعیین بکنند و اینکه نوشته شده موکول بنظر اداره پست است این یک چیزی است که در موارد مختلفه نظریات مختلف میشود لذا خوب است اگر صلاح بدانید قدرش را تعیین کنند والا یک اداره پستی اینجا هست که یک نظری دارد و یک اداره پست در یک شهر دیگری هست یک نظر دیگری میکنند و نفعش یا مال میشود خوب است اندازه اش را تعیین کنند تا در تمام مملکت یک نحو نسق جاری شود

مخبر - بلی اینکه معین نشده است که در اینخصوص چند حقوق باید گرفت و بنظر اداره پست واگذار شده و کمیسیون مقدار آنرا معین نکرده از همان نقطه نظر است که آقای مدرس فرمودند چون ممکن است در طهران ۳ شاهی و در سمنان یک شاهی بگیرند چرا بعلمت این که پست شهری وقتی که دایر میشود مثلا طهران یک شهر خیلی بزرگی است و از برای پست شهری مصارف زیاد پیدا میشود فرای زیاد باید نگاه بدارد فرای باید بی سکت سوار شوند که نوشجیات را بفرستند البته اینها مخارج گزافی از برای دولت تولید خواهد کرد باین جهت در شهر تهران فرضاً سه شاهی گرفته میشود و اما در سمنان یک کبک فرای داشته باشد همان یک نفر

فرای سهولت بتواند به تمام شهر نوشجیات را برساند و در اینجا مخارج زیادی باین کار تعلق نمیگیرد در اینصورت اینجا را ممکن است یک شاهی قرارداد و از این جهت اینطور نوشته شده است

سردار سعید - بنده عرض میکنم همانطوری که در داخله مملکت یعنی جاهائی که صد فرسخ باشد تا ده فرسخ هم را مثقالی ۳ شاهی میگیرند خوب است در داخله شهر ها هم یک مقدار معینی بنویسند و همان مقدار معمول باشد

منتصر السلطان - اینکه مذاکره میفرمایند که در تمام ولایات یک اندازه معین شود مشکل است زیرا پست شهری در ولایات فرق میکند بجهت اینکه پست شهری که دایر میشود صندوقهائی تأسیس میشود که روزی دو سه نوبه فرای های پست باید پاکت ها را از جوف آنها بردارند و ب مردم برسانند در بعضی شهر ها مکاتبات شهری زیاد است و بعضی شهر ها هست که خیلی کم است پنجاه تا شصت تا بیشتر نمیشود آن شهرهائی که مکاتباتشان زیاد است تمبر زیادتر استعمال میشود دولت میتواند کرایه اینجا را تخفیف بدهد مثلا پاکتها را تمبر یکشاهی به چسباند بجهت اینکه عمل کرد آنجا زیاد است عمل کرد که زیاد شد دولت میتواند تخفیف بدهد آنجا تا یک استعمال تمبرش کمتر است یعنی مکاتبات شهری زیاد نیست برای دولت خرجش زیاد تر میشود زیرا آن مأموری که باید پاکت ها را برساند حقوق دارد و شاید پنج پاکت بیشتر نباشد باین طریق برای دولت مخارجی تولید خواهد شد و آن مأمور حقوق مدت استخدام خودش را باید بگیرد باین جهت دولت برای جلوگیری ضرر و خسارتی که باو عاید میشود قیمت آنرا زیادتر میکند یعنی سه شاهی میکند و اگر فروش تمبر زیادتر شد دو شاهی میکند یعنی سه شاهی میکند و اگر فروش تمبر زیادتر شد دو شاهی میکند یعنی سه شاهی میکند و اگر فروش تمبر زیادتر شد دو شاهی میکند یعنی سه شاهی میکند و اگر فروش تمبر زیادتر شد دو شاهی میکند یعنی سه شاهی میکند

از باب کیخسرو - بنده باینکه هم در مجلس سابق هم در این مجلس همیشه طرفدار این مطلب بودم که هر قانونی وضع می شود مواد مجازات آنهم پهلوئی همان قانون باشد اما هیچوقت تصور نکرده ام که یک شخص مجازات داده شود که بی تقصیر است آقای مخبر اینجا یک توضیح غریبی دادند و فرمودند که اگر یک کسی پاکتی را بدون تمبر بدهد باید به طرف مقابل دو برابر بدهد که دیگر این اتفاق نیفتد ام از اینکه در کافت فحش هم باو داده باشد بنده گمان میکنم اگر اینجا ذکر کند که هر گاه طرف مقابل پاکت را قبول کرده همان میزان معمول را بدهد و زیاد بر آن را روا نداریم بهتر است .

مصلح الدوله - اگر در تحت این عنوان ذکر شد یعنی عنوان جرم یک شخص دیگری کافندی نوشته و بدون تمبر بوده بخواهند محصل بر آن طرف مقابل بگذارند و بعنوان جرم دو مقابل از او بگیرند واقعا خیلی بد است که گناه را یک نفر دیگری بکنند و دیگری جرم بدهد و حال آنکه اینجا مقصود این نیست مقصود اینست که اگر یک پاکتی را عمداً یا سهواً تمبر نزنده باشند چنانچه غالباً اتفاق می افتد مثلا یک شخصی گماشته یک آقائی است برای کار لازمی احتیاج دارد که کافندی برای آقای خودش بفرستد پول هم هیچ ندارد در اینصورت آن پاکت را میتواند بدون تمبر بدارد و پست بدهد و پستخانه هم قبول میکند وقتی که آن کافند رسید آن شخص به پست داده می شود از اجرای مندرجات این فصل استثناء و معاف هستند فقط معادل حقوق متعارفه پست از گیرنده پاکت دریافت خواهد شد .

محمد هاشم میرزا - اینطور که اینجا نوشته شده اگر پاکتی تمبر نداشته باشد و فراموش کرده باشد تمبر بزند از طرف مقابل دو برابر گرفته می شود علت اینکه دو مقابل گرفته می شود چه چیز است در حالی که باید حقوق معینه را از او بگیرد مثل اینکه فراموش نکرده بود علت این که دو برابر باشد آنهم از طرف مقابل چه چیز است در مجلس سابق خاطر هست که اینطور قرار شد که طرف مقابل بتواند از قبول پاکت امتناع کند و پول نهد خوب است توضیح بدهند تا بدانیم علت دو مقابل گرفتن چیست .

میرزا الملک - البته آقایان می دانند اگر دو برابر نوشته نشود آنوقت تمام نوشجیاتی که مردم به پستخانه می دهند بدون تمبر خواهد بود و این مسئله تولید اشکالی خواهد کرد بجهت این که اداره پست مجبور است برای حمل نوشجیات یک مبلغ مخارج بکند و وقتی که این نوشجیات بدون تمبر رفت و بی یک محلی رسید همانطور که در یک فصل ذکر شده است آن شخص گیرنده مختار خواهد بود که پاکت را قبول کند یا رد کند در اینصورت اداره پست یک پاکتی را از یک جائی بجایی برده بدون اینکه یک دینار حقوق از طرف گرفته باشد چون طرف مقابل در رد و قبول مختار است باین جهت در اینجا نوشته شد که اگر قبول کرد دو برابر گرفته شود که بعدها نظائر آن اتفاق نیفتد و همه بدانند که اگر یک پاکتی را بدون تمبر بفرستند یک اسباب زحمتی برای طرف خواهد بود طرف هم احتمال دارد قبول نکند والا دو برابر نوشته نشود برای اداره پست یک هرج و مرجی فراهم خواهد کرد .

سابق هم در این مجلس همیشه طرفدار این مطلب بودم که هر قانونی وضع می شود مواد مجازات آنهم پهلوئی همان قانون باشد اما هیچوقت تصور نکرده ام که یک شخص مجازات داده شود که بی تقصیر است آقای مخبر اینجا یک توضیح غریبی دادند و فرمودند که اگر یک کسی پاکتی را بدون تمبر بدهد باید به طرف مقابل دو برابر بدهد که دیگر این اتفاق نیفتد ام از اینکه در کافت فحش هم باو داده باشد بنده گمان میکنم اگر اینجا ذکر کند که هر گاه طرف مقابل پاکت را قبول کرده همان میزان معمول را بدهد و زیاد بر آن را روا نداریم بهتر است .

مصلح الدوله - اگر در تحت این عنوان ذکر شد یعنی عنوان جرم یک شخص دیگری کافندی نوشته و بدون تمبر بوده بخواهند محصل بر آن طرف مقابل بگذارند و بعنوان جرم دو مقابل از او بگیرند واقعا خیلی بد است که گناه را یک نفر دیگری بکنند و دیگری جرم بدهد و حال آنکه اینجا مقصود این نیست مقصود اینست که اگر یک پاکتی را عمداً یا سهواً تمبر نزنده باشند چنانچه غالباً اتفاق می افتد مثلا یک شخصی گماشته یک آقائی است برای کار لازمی احتیاج دارد که کافندی برای آقای خودش بفرستد پول هم هیچ ندارد در اینصورت آن پاکت را میتواند بدون تمبر بدارد و پست بدهد و پستخانه هم قبول میکند وقتی که آن کافند رسید آن شخص به پست داده می شود از اجرای مندرجات این فصل استثناء و معاف هستند فقط معادل حقوق متعارفه پست از گیرنده پاکت دریافت خواهد شد .

مخبر فرمودند که اگر چنانچه یک برابر باشد آنوقت اینکار جریان پیدا میکند یعنی معمول و متداول میشود و همه کس پاکت خودش را بدون تمبر خواهد فرستاد و اسباب ضرر و اشکال خواهد شد و این دو مقابل هم ضرری ندارد و بجهت اینکه اختیار با طرف مقابل است که اگر بخواهد پاکت را قبول بکند یا نکند وقتی که قبول نکند اداره پست ناچار خواهد بود از داشتن دفترتی برای آن پاکت هائی که قبول نکرده اند چون اداره پست وقتی که اینها را قبول میکند بدون تمبر نمیتواند بفرستد چنانکه در واقع تمبر یک تقشیری است برای پاکت هائی که از محلی بمعمل دیگر می رود والا ممکن است تمبر هم نکند و بفرستد و این تمبر برای سهولت است که ملتفت شود که طرف مقابل اینرا گرفته است و وجهش را پرداخته یا خیر و این قانون فقط برای مواقع نادره است که یک کسی احتیاج پیدا میکند و در یک موقع سختی واقع میشود و پول ندارد و اداره پست پاکت او را قبول میکند این در واقع یک رعایتی است که ب مردم میکنند و این نکته را باید ملاحظه کنیم که اداره پست یکی از اداراتی است که برای سهولت امور مردم مملکت ایجاد شده است و این قوانینی که پیشنهاد کرده اند قوانین مالیاتی نیست و ما باید همیشه قانع باشیم که اداره پست مخارجش را بدهد و این پاکت ها که بر میگردد و طرف مقابل قبول نمیکند دو برابر قرارداد شده که تلافی آن ضررها را بکنند .

اعز از السلطنه - در اینمطلب که در کمیسیون مذاکره شد بنده مخالف بودم همیشه عرض میکنم که چه تفاوتی است که فرماندهان کشتی که تبه خارجه هستند یک برابر بدهند و در داخله دو برابر همانطور که فرماندهان کشتی یک برابر بدهند برای داخله هم باید همینطور قرار داده شود .

منتصر السلطان - نمایندگان کدر کمیسیون بودند در این مسئله ۳ نفر بکطرف بودند و سه نفر طرف دیگر بدین واسطه نتوانستیم اکثریت پیدا کنیم قرار شد که این ماده پیشنهاد زیر نوشته شود بعضی از همکاران بنده دلتنگ شدند کدر صورتی که اکثریت پیدا نشده است چرا مخبر دفاع میکند بنده مجبور عرض کنم که اداره پست باید در هر محلی که پست دارد با آنجا پاکت فرستاده میشود یک دفتر مخصوصی برای اینکار داشته باشد و پاکت بی تمبر را حفظ کند و پس از اینکه بشخص اظهار کرد که این پاکت باسم شما آمده یا قبول میکنند یا نمیکند اگر قبول بکنند باید در آن دفتر ثبت بشود و مجدداً بآن محل که پاکت فرستاده شده عودت داده شود در واقع این دو نوبت کرایه میدهد یکدفعه در موقعی که فرستاده شده و یکدفعه در وقتی که صاحبش امتناع کرده و عودت داده اند اگر مادر اینجاد دو برابر نکنیم معمول میشود که هر کس پاکت خودش را در جبهه پست میاندازد و تمام پاکت بدون تمبر حرکت خواهد کرد پس برای تنبیه مردم و جلوگیری از خسارت دولت از جهت دو مرتبه حمل و نقل کردن لازم است دو برابر گرفته شود و اما اینکه ذکر شد که این پاکت چه تفاوتی دارد با پاکتی که از طرف فرماندهان کشتیها داده میشود معلوم است بجهت اینکه پاکتی که فلان فرمانده جهاز میدهد فلان بندر

البته باید بقیمت معمولی شش شاهی بدهد چنانچه در مواد روز گذشته ذکر شد دولت میتواند موقتا یک قرار دادی با کشتیها به بندد و کشتیها اغلب پاکت شخصی دارند که میدهند بداره پست و این هیچ فرقی با سایر پاکت ندارد و همان یک برابر گرفته میشود و این دو برابر راجع به پاکتی است که بدون تمبر از یک شهری بشهر دیگر می رود و یکدفعه تر و اشخاص متعددی برای حمل و نقل آنها لازم است

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد چهار فقره پیشنهاد از آقایان ناصر الاسلام - محمد هاشم میرزا - عبد الملک و حاج فخر العمالک شده است

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد چهار فقره پیشنهاد از آقایان ناصر الاسلام - محمد هاشم میرزا - عبد الملک و حاج فخر العمالک شده است

رئیس - باین مضمون قرائت شد

فصل شانزدهم - حقوق پستی یا کت متعارفه که از زمان ارسال پول پست آن ادا شود و از داخله مملکت بداخله مملکت ارسال گردد در صورتی که بیش از دو مثقال وزن نداشته باشد شش شاهی است و برای هر مثقال یا کسر مثقال سه شاهی بر آن افزوده میشود و یا کتهائی که از یک نقطه الی دو فرسخ اطراف فرستاده میشود که در آن محل پستخانه باشد اداره پست ممکن است تخفیف در حقوق پستی بدهد ولی حقوق پستی پاکت هائی که در یک محل تحویل و توزیع میشود حداکثر ۲ مثقال ۳ شاهی و حداقل ۲ مثقال یک شاهی است و موکول بنظر اداره پست است .

ناصر الاسلام - این کلمه حقوق مقرر در پیشنهاد شده است محض اینکه اجرت پست بستفاوت معین نشده باشد و در هر موقع برای پست یک اجرت معینی بدهند این توضیحاتی که آقایان موافقین راجع باین ماده دادند تمام دفاع بود از اشخاصی که دهنده پاکت هستند که بعد از این پاکتها را بدون تمبر بفرستند درحالی که جریمه را متوجه میکنند به گیرنده پاکت بنده تصور میکنم که این صحیح نیست و باید بطوری نوشته شود و این دلایل هم اشخاصی را که مخالفند دانند اسکت نمیکند چرا باید جریمه بگیرند همان حقوق مقرر باید از او دریافت شود بجهت اینکه ممکن است طرف در محظور باشد و گاهی ضرورت اجازه بدهد که آن پاکتی را که برای او فرستاده اند بگیرند پس باید فقط همان حقوق مقرر را کسش شاهی است از او بگیرند مسئله امتناع هم در ماده دیگر معین است دیگر جزء کردن آن در این ماده لازم نیست

معاون - بنده گمان میکنم که اگر بخواهیم در این پیشنهاد مذاکره بکنیم و بگوئیم حقوق مقرر پستی را بدهند و تمبر هم نزنند دیگر محتال نمیشویم که این ماده را بتوسیم اما خوب است به بینیم برای چه این ماده در این قانون نوشته شده است البته هر کس در پستخانه یک برابر پول بدهد پاکت او به همه جا فرستاده میشود این مسئله برای اینست که اداره پست خواسته است یک سهولتی بجهت امور مردم فراهم کند که اگر کسی بخواهد پاکتی را بدون تمبر در صندوق پستی بیندازد اداره پست مکلف باشد که آن پاکت را بدون تمبر بقصد برساند یک قدری هم باید بنظر کرد بآن ماده که مینویسد گیرنده پاکت حق دارد امتناع کند و وقتی که حق دارد امتناع کند دیگر هیچ اشکالی باقی نمی ماند زیرا که او را مجبور نمیکند بگرفتن پاکت اول روی کافندی باو مینویسند که فلان پاکت از فلان شخص بدون تمبر رسیده مطابق فلان فصل قانون باید کرایه آنرا دو مقابل بدهید اگر خواست دو مقابل بدهد و اگر نخواست کسی او را مجبور نمیکند پس در واقع اداره پست این فصل را در اینجا برای سهولت کار مردم گذاشته است اگر میخواهند این سهولت در کار نباشد این ماده را برمیداریم و اداره پست هیچ پاکت را بی تمبر قبول نمیکند

ناصر الاسلام - همین داور که آقای معاون اظهار کردند اگر تقاضا کنند این ماده برداشته شود بنده پیشنهاد خودم را پس بگیرم

معاون - بنده تقاضای برداشتن این ماده را نمیکنم عرض کرده ام اگر بخواهند این پیشنهاد را قبول کنند این ماده اصلا صورت خارجی نخواهد داشت

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - ثابیل توجه نشد - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا همین است

محمد هاشم میرزا - میخوام توضیح بدهم .

رئیس - پیشنهادشاهین پیشنهاد ناصر الاسلام است قرائت میشود خواهی دید (پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم (بجای دو برابر حقوق) نوشته شود حق تمبر از گیرنده پاکت گرفته میشود

محمد هاشم میرزا - اجازه میدهم توضیح بدهم .

رئیس - باید توضیح بدهید که این مدلول این پیشنهاد با مدلول آن پیشنهاد فرق دارد

محمد هاشم میرزا - بسیار خوب پس پیشنهاد خودم را پس بگیرم (پیشنهاد آقای حاج عز الملک بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد در فصل ۱۷ - هر گاه پاکتی بدون ادای حقوق پست به پستخانه داده شود و طرف مقابل بخواهد قبول بنماید الی آخر ماده

معاون - این مطلب در خود قانون هست منتها در دو ماده نوشته شده

رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول دارند

مخبر - بکمیسیون ارجاع فرمایند (پیشنهاد آقای عبد الملک بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در فصل ۱۷ حقوق دو برابر (حقوق معمولی) نوشته شود و گیرنده اختیار رد و قبول هر دو را داشته باشد

رئیس - قسمت اول که رد شد قسمت دوم را هم کمیسیون قبول دارد

(پیشنهاد آقای شیخ حبیب الله بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که مرسولات بدون تمبر و حقوق پستی را حمل ننمایند

معاون - وقتی که یک اداره تقاضا میکنند که ارسال مرسولات بدهد او باشد گمان میکنم مکلف باشد که مراسلات را حمل و نقل کند و خیلی تعجب میکنم از این مسئله که پیشنهاد کرده اند و گمان نمیکنم تمام آقایان رای بدهند بجهت اینکه اداره پست خودش قبول میکند پاکت یا مراسلات بدون تمبر را حمل کند و بنده خیلی لازم میدانم که اداره پست برای اصلاح امور مردم پاکت و مرسولات بی تمبر را قبول بکنند و برای اینکه در محظورات نیفتد قرار داده اند در صورتیکه گیرنده قبول بکنند حقوق آنرا دو برابر بدهد و اگر قبول نکرد آنوقت دوباره عودت خواهند داد

آقا شیخ حبیب الله - اگر غرض حمل کردن است باید همان کرایه یک مقابل را بگیرد و اگر غرض جریمه گرفتن است لازم نیست حمل کند

ناصر الاسلام - اینکه بنده عرض کردم در

صورتیکه آقای معاون حلف این ماده را تقاضا میکنند بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم نظرم باین بود که اداره پست میتواند یا ناکت بدون تمبر را قبول نکند و اینکه آقای معاون میفرمایند اداره پست مکلف است قبول کند (این تکلف است) - از کجا است - چطور میفرمایند اداره پست مکلف است بنده دیواکت را بدون تمبر در صندوق دولتی میاندازم بر حسب مقررات قانونی يك خلافی کرده ام شما دارید ترویج میکنید يك خلافی را که شاید اغلب مردم آنرا تعقیب کنند این مسئله هیچ اساس و دلیل ندارد که بگوئیم اداره پست مکلف است که پاکتی را که حقوق آن پرداخته نشده است حمل کند و تقریباً میتوان گفت آن شخص که این کار را میکند يك حرکت زشت و بدی کرده است که بدون پرداخت حق مقرر یاکت خود را در صندوق پست انداخته و آنوقت اداره هم بگوید بحمل آن مکلفم و پس از آنکه يك جریمه از يك بیچاره که هیچ تقاضای مکاتبه با آقای کاتب نکرده است و شاید میل زیارت آنرا هم ندارد گرفته شود این در واقع همان حکایت (گنه کرد در بلخ آهنگری) میشود پس باید اداره پست بکلی پاکت بی تمبر را قبول نکند تا وقع این محذور بشود و از آن بدبختی که به هیچ وجه گناهی نکرده شش شاهی را سه عباسی بگیرند و اینکه میفرمایند اداره پست مجبور است برای این اجبار هیچ دلیلی نفرمودند بنده متقدم هیچ مجبور نیست .

معاون - بنده يك توضیح دیگری دارم راجع بجزایر امروزه البته معلوم است که اداره پست با همه جاملات و مکاتبات دارد منحصر بداخله خودش نیست امروزه از همه جای دنیا پاکت و مرسولاتی که فرستاده میشود بدون تمبر میگیرند حمل میکنند و اگر گیرنده خواست قبول کند دوبرابر اجرت دریافت میشود و اگر امتناع کرد و نخواست قبول کند دیگر حق اخذ کرایه از او ندارند همچنین اداره پست ایران هم مجبور است که این کار را بکند و الان معمول به است و پاکت و مرسولات بدون تمبر را قبول میکنند و چون مسئله امتناع در يك فصل دیگری نوشته شده است این فصل یک قدری پیچیده شده میگویند چه جهت دارد که من يك کاغذ مینویسم آن طرف مجبور باشد پول بدهد در صورتی که اینطور نیست عرض کردم بهیچوجه مجبور نیست او را مختار کرده اند هم حق دارد بگیرد و هم حق دارد نگیرد اداره پست برای سهولت مردم قبول میکند که پاکت مردم را بشیراز یا فلان جا بفرستند در صورتی که گیرنده نخواهد نه از فرستنده و نه از طرف مقابل او پول نگیرد این چه ضرری دارد

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد جنابعالی همین پیشنهاد آقای آقای آشیخ حبیب الله است **سردار معظم** - بلی بنده عرض میکنم اصلاً گنجائش این ماده در اینجا برخلاف این جهتی است که برای اداره پست اتخاذ میشود مستخانه وقتیکه تأسیس میشود انحصار تمبر را بخودش میکند این انحصار برای چه است . برای این نیست که میگوید در مقابل حمل فلان حق را میگیرم و تمبر الصانق

میکند و بنده هیچ جهتی نمیتوانم تصور کنم که مستخانه در مقابل این قرارداد اساسی خودش بدون يك جهتی نخواهد این قرارداد را نقض و نسخ کند و بگوید باوجود این قرار داد دولتی من کاغذ بدون تمبر قبول میکنم و از طرف مقابل جریمه میگیرم این چیز غریبی میشود من نمیدانم چه جهتی دارد که آقای معاون فقط همان مسئله را که (در همه جا معمول است) برای بنده مثل میآورند چه عیب دارد که در قانون داخلی خودمان اینطور قرار بدهیم و بگوئیم کلیه نوشتهجات بدون تمبر قبول نمی شود بواسطه اینکه نوشتهجاتی که برای داخله مملکت یا خارج حمل میشود هیچ فرقی نمیکند بجهت این که صاحب یاکت دقتی که ملتفت شد یاکت او بدون تمبر قبول نخواهد شد معلوم است همچو یاکتی نخواهد داد آنقسم یاکتی که از خارجه داخل در ایران میشود شامل این قضیه نخواهد بود بجهت اینکه مطابق قرارداد رئیس مستخانه دولت ایران مکلف خواهد بود پاکتی که از طرف مستخانه دول دیگر می آید تمبر کنند پس بنده تصور میکنم این ماده شامل حال آنها نیست و بالاخره من نمیدانم چه نظر عدالتی یا اقتصادی در اداره مستخانه پیدا شده است که خودش را مکلف میدانند نوشتهجات بی تمبر را قبول نمایند و از طرف مقابل دو برابر جریمه بگیرد بنده عقیده ام اینست که بهتر این است که این قسم پاکت آنها قبول نخواهد شد البته بدون تمبر نخواهد داد بلی در يك موافقی در باب کسر تمبر این مسئله نظیر پیدا میکند و طرف مقابل را مجبور میکند در مقابل کسر تمبر را بدهد اما این مسئله ربطی باین ندارد و در صورتی که هیچ تمبر را نداشته باشد لزوم ندارد قبول نماید

معاون - بنده دیگر جوابی عرض نمیکنم فقط يك توضیح میدهم که چرا اداره پست این مکاتیب بدون تمبر را قبول میکند البته اداره پست هیچوقت کسی را مجبور نمی کند که یاکت خود را بدون تمبر بیاورد و همچنین اجزاء اداره پست یاکت بدون تمبر را که می آورند بدفتر پست تحویل دهند ممکن نیست قبول کنند و پاکتی که تمبر بانهای الصانق شده است آنها را قبول میکنند اما برای سهولت امر چنانکه ملاحظه میفرمائید در تهران و جاهای دیگر صندوق پست دائر است و صاحبان پاکت میتوانند یاکت خود را مستقیماً در صندوق بیاورند وقتی که اجزاء اداره آن صندوق را باز میکنند و می بینند بعضی از یاکت تمبر ندارد اداره پست برای صلاحیت در ماهیت حال هم خود را مکلف میدانند که این پاکت بدون تمبر را بجائی که معین شده است حمل کند اگر طرف مقابل آن یاکت بدون تمبر را قبول کرده مجبور است دو مقابل پول تمبر را رد نماید اگر قبول نکرده اداره پست آن یاکت را بر میگردداند

رئیس - رای میگیرم در پیشنهاد آقای سردار معظم و آقای آشیخ حبیب الله آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آصف الممالک را هم مخبر کمیسیون قبول کرده

است ارجاع بکمیسیون میشود ماده هیجدهم هم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل ۱۸ - حقوق پستی کارت پستی کارت پستی که از داخله بداخله مملکت ارسال میشود دو شاهی است و حقوق کارت پستی که وره مخصوصی برای جواب بآن ملصق است چهار شاهی

رئیس - در ماده هیجدهم مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست

ماده نوزدهم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل نوزدهم - حقوق پستی در مجلات متناوبه و کتب و اوراق صحافی شده و جلد دارایی جلد و اوراق اختار به اعلانات و صورت قیمت اشیاء کلیه مطبوعاتی که از داخله بداخله ارسال می شود بدون ملاحظه عده اوراقی که در تحت يك لفافی بسته شده است با استثنای جرائد از قرار هر ده مثقال یا کسر ده مثقال دو شاهی است و وزن هر بسته هم نباید از چهارده مثقال تجاوز نماید اجرت پستی جرائدی که از داخله بداخله ارسال می شود اعم از يك نمره بسته نصف حقوق مذکور دو فول است

رئیس - در این ماده مخالفی هست یا نیست - (مخالفتی نشد و فصل بیستم بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل بیستم - بجزایر و کتب و کلیه مطبوعاتی که در یاکت سرباز ارسال میشود حقوق معینه در فصل نوزدهم این قانون تعلق میگیرد ولی اختصاصی این قسم مرسولات بر این است که حقوق پستی آن از دوشاهی کمتر نمی شود کارتهای ویزیت که به ترتیب مذکور ارسال میشوند بهر خطی نوشته شود محل ایراد نیست بشرط اینکه هیچ وره جایی یا ششی دیگر بهر اهرای آن ارسال نشود

رئیس - در فصل بیستم ملاحظاتی هست

حاج شیخ اسدالله - عرض بنده راجع بکارت ویزیت است خوب است فارسی آن نوشته شود

رئیس - عرض کردم در کمیسیون برای شورا دوم اصلاح میشود - غیر از این دیگر ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) فعلاً چند دقیقه تنفس داده میشود ولی خاطر آقایان را مسبوق میکنم که کمیسیون مالی باید منعقد شود رآن پیشنهاد راجع بمنع صدور مسکوکات را ملاحظه کنند در ایورت بدهد که همین امشب مذاکره شود (در این موقع عموم حضار برای تنفس خارج شده پس از يك ساعت مجدداً مجلس منعقد گردید)

رئیس - راجع پیشنهاد آقای سلیمان میرزا در باب صدور مسکوکات نقره و طلا امروز بنا بود قابل توجه بودنش رای میگیرم ولی هیئت دولت موافقت کرده و گفته اند نظر دولت هم بانظر پیشنهاد کننده یکی است اینست که این پیشنهاد دیگر حال طرح قانونی را ندارد و حال لایحه قانونی را پیدا کرده دیگر محتاج به رای گرفتن نیست فقط اینجا مذاکره شود و اگر رای داده شد برای هیئت دولت فرستاده میشود

سردار معظم - فقط چیزی که هست کمیسیون قوانین مالی فوریت این لایحه را تقاضا میکنند که همین امروز مذاکره آن تمام شود و از تصویب مجلس بگذرد .

رئیس - پس باید فوریت آن بدو رای

بگیرم آقایانی که فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راپورت کمیسیون قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول از تاریخ تصویب این قانون الی آخر برج اسد خارج کردن شمش و مسکوکات نقره و طلا بطریق مال التجاره و کلی رستال از ایران ممنوع است

ماده دوم - این قانون از طرف دولت بوسیله اداره گمرک و پست خانه و سایر ادارات مربوطه بموقع اجرا گذارده خواهد شد

رئیس - مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی هست ؟

ناصر الاسلام - بنده اجازه میخواهم که سئوالی بکنم چون بنده مسبوق شده ام که هیئت دولت در این پیشنهاد مصمم شده است و این قانون را عمل بموقع اجرا گذاشته است و در اینخصوص تلکرافات بولات مخبر کرده است و در صورت واقعت آیا لازم است که ما این قانون را از مجلس بگذرانیم یا خیر

رئیس - قانون لازم دارد همین طور که می فرمائید هیئت دولت تصمیم با اجرای آن کرده است ولی اگر قانون تصویب نشود ممکن است دولت بعد از بیست روز دیگر حکم خودش را نسخ کند ولی وقتی که قانون شد نمی تواند این را بکنند پس معلوم میشود در کلیات مخالفی نیست - رای میگیرم داخل مذاکره در مواد شوم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده اول قرائت میشود

رئیس - در ماده اول مخالفی هست یا نیست

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم اگر این قانون را قدری عمومیت بدهند بهتر است فقط منحصر بکلی پستال نباشد بطور کلی ممنوع باشد تعقیب بقیدی کند

سردار معظم مخبر - آقای حاج شیخ اسدالله باید مسبوق باشد که عمل نقره و طلا که بعنوان مال التجاره حمل میشود جلوگیری میشود و الا اگر بطور مطلق بنویسیم آنوقت لازم اش اینست که اگر بنده مسافر هستم پنجاه تومان پول نقره و طلا برای خرجی خودم همراه داشته باشم دولت مانع شود فقط دولت صدور نقره و طلا را بعنوان مال التجاره قذف میکند و الا برای مصارف راه و خرج مسافرت نمیشود مخالفت کرد .

ارباب کیخسرو - بنده اینجا توضیح میخواهم که بچه علت مدت را تا آخر برج اسد فراداده اند و مدت دیگری معین نکرده اند .

مخبر - خوب است نظر خودشان را بفرمایند تا معلوم شود نظر خودشان چیست بعد بنده جواب عرض کنم و الا اگر مدت دیگری هم معین میشد ممکن بود همین سؤال را بفرمایند .

میرزا قاسمخان - عرض میکنم اینطور که آقای مخبر فرمودند که نظر کمیسیون و نظر دولت این بوده است که مسکوک طلا و نقره از مملکت بطور مال التجاره خارج نشود این مدتی که معین شده

است (یعنی تا آخر برج اسد) موافقی است یعنی تقریباً تازمانی است که مجلس قانون (موراتوریم) را راجع باسکناسهای بانک شاهنشاهی تصویب کرده است بنده عقیده ام اینست نوشته شود تا وقتی که دولت مقتضی میدانند بهتر است .

مخبر - برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم که اولاً آن قانون قانون موراتوریم نبود و يك استمهالی شده بود و دو ماه وقت داده شد که بتوانند اضافه بر آن مبلغ پول تهیه نمایند پس موراتوریم نیست و قانون موراتوریم يك حدود دیگری دارد که در اینجا اجرا نشده است و اما اینکه می فرمایند از حیث مدت موافق با آن قانون است این طور نیست آن قانون برای مدت دو ماه اجازه داده شده است و برای این قانون تقریباً سه ماه و دهم روز پس از حیث مدت تقریباً دو مقابل آن مدت معین شده اما اینکه چرا مدت را محدود کرده اند تصدیق خواهند فرمود که نقره و طلا مانند يك مال التجاره است که دائماً نمی توان صدور آنرا ممانعت کرد فقط در اینموقع يك مقتضیات خصوصی در کار بوده است که گذران این قانون لازم و بواسطه اوضاع عمومی دنیا و اوضاع خصوصی این مملکت امروز این قانون برای این مدت تصویب میشود ولی بعد از انقضای این مدت شاید اوضاع يك طوری باشد که لازم نباشد خارج کردن طلا و نقره را از مملکت منع کنیم بر فرض اینکه پیش آمد های امروز باقی بماند باز هم مجلس هست و اگر صلاح بداند دوباره تجدید خواهد کرد پس از این نقطه نظر محتاج هستیم که همین مدتی که معین شده است قبول کنیم و البته بهتر است که محدود بیک مدتی باشد و مدت بیشتر از اینهم بعقیده بنده خوب نیست

رئیس - آقای سلطان العلماء مخالف هستند

سلطان العلماء - عقیده بنده را آقای سردار معظم در باب مسافرتین اظهار فرمودند بنده هم نظرم راجع بمسافرتین بود

ارباب کیخسرو - بنده پیشنهادی کرده ام که مدت این قانون تا آخر جنگ اروپا نوشته شود بجهت اینکه قبل از آنکه جنگ تمام شود باب تجارت مسدود است باین واسطه اینطور پیشنهاد کرده ام و پیشنهاد خودم را تقدیم مینمایم.

سلیمان میرزا - نظری که آقای ارباب دارند هیچ تفاوت نمیکند بعد از اینست که لازم شود مقتضیات تمدید مدت باز موجود است و فعلاً تا يك مدت معینی باشد بهتر است شاید تا يك هفته دیگر جنگ اروپا تمام شد آنوقت آن محظورات و مقتضیات مملکتی هنوز بر طرف نشده که ما اجازه بدیم نقره و طلا از مملکت ما خارج شود پس بنا بر این تا آخر برج اسد که معین شد لازم بوده است نظر آقای ارباب کیخسرو این است که شاید جنگ بیشتر از این طول بکشد اگر اینطور هم باشد وقتی که آخر برج اسد رسید مثل آن قانونی که برای کمیسیون تطبیق حوالجات معین شد و بعد تمدیدش را هیئت دولت از مجلس تقاضا کرد تمدید مدت این قانون را هم از مجلس میخواهند و مجلس رای میدهد .

رئیس - حالا اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند پیشنهاد قرائت می شود در قابل توجه بودن آن رای میگیرم اگر قابل توجه شد بکمیسیون ارجاع میشود

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت ماده اول تا آخر جنگ اروپا مقرر شود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو توضیحی دارید **ارباب کیخسرو** - بلی بنده در این پیشنهاد بعضی ملاحظات دارم که نمیخواهم و نمیتوانم توضیح بدهم راجع بمدت که میفرمایند مثل آن قانون تطبیق حوالجات موقع دردست است نسبت بآن مطلب هم يك قانونی وضع نشده است که اگر کسانی که باید انتخاب میکنند وجود نداشته باشند چه باید بشود ولی نسبت باین بنده هیچ ضرری نمی بینم که مدت را اینجامعین کنند اگر زودتر اصلاح شد و در اینموقع صلاح دانستند این قانون را نسخ میکنند بنده تصور میکنم اینطور بهتر باشد .

مخبر - بنده مجبور هستم که بگویم این طور نیست محدود کردن قانون يك حد غیر معینی از نقطه نظر قانونگذاری صحیح نیست و ممکن است بدو نظر تصور کرد یکی بعد از جنگ اروپا یا باز مقتضیات داخلی مملکت ما طوری باشد که لازم شود از خروج طلا و نقره جلوگیری کنیم از طرف دیگر ممکن است برعکس ترتیبی فراهم شود با بودن جنگ اروپا لازم بدانیم وارد کردن نقره را جلوگیری نمایم چنانکه اطلاع داریم يك مقدار نقره هم که فعلاً کافی نیست به بعضی از نقاط رسیده است و شاید بازم برسد و بقدری زیاد شود که دیگر محتاج نباشیم و مجبور بشویم از يك کاریکه برای ما منفعت دارد جلوگیری کنیم زیرا که وارد کردن نقره يك تجارت با منفعتی است و شاید در آن حال هم طوری باشد که ما مجبور بشویم جلوگیری نکنیم و مخالفت نمایم پس در اینصورت بعقیده بنده بهتر اینست که مدت این قانون تا آخر برج اسد محدود بشود در هر صورت هم دولت وهم مجلس که حالا در اینخیال هستند بازم اگر لازم بدانند مدت را تمدید خواهند نمود

رئیس - رای میگیرم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد حالا رای میگیرم در ماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود (مجدداً بمضمون سابق الذکر قرائت شد)

رئیس - در ماده دوم مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میگیرم باده دوم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در کلیات این قانون مخالفی هست

مقتصر السلطان - این قانون چون مجازاتی برایش معین نشده است از آقای مخبر سؤال میکنم اگر قاچاقی در ضمن مال التجاره اتفاق افتاد آیا بچه قسم رفتار خواهد کرد اگر پست و گمرک آن قاچاق را کشف کرد و گرفت مجازات او چه چیز است نظامنامه دولت در این باب مینویسد که از این کار جلوگیری کند

مخبر - مسئله واضح است مادامیکه مال التجاره یا هر چیزی که خارج شدنش ممنوع است بطور قاچاق خواستند خارج کنند يك مجازاتی دارد و این مسئله هم مجازاتش با اشیاء دیگری که معین شده است هیچ

فرقی ندارد هر کاری بادیگران میکنند یا این قاجاق هم میکنند و هر طور آنها را جریمه میکنند و مجازات میدهند باینها هم همان معامله را خواهند کرد

رئیس - در کلیات مخالفی نیست آقایان بیکه که این لایحه را کلیه تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چون وقت دیر است اگر مخالفی نباشد جلسه را میگذاریم برای فردا سه بغروب مانده مخالفی نیست (گفته شد خیر) دستور آن هم شور در بقیه قانون یستی و راپورت شعبه راجع با انتخاب بم خواهد شد ولی آنروز در اینجا مذاکره شد که بایستی اینکار معلوم شود یعنی در یک کمیسیون رسیدگی بشود یا نشود از قرار می معلوم میشود بایستی راپورت شعبه به مجلس بیاید و در اینجا رأی گرفته شود چون آن شخص که استعفا کرده است در واقع يك رقبی دارد و میگوید اکثریت با من بوده است و وکیل من هستم این مسئله باید حل شود و معلوم شود وکیل کی بوده است و اگر رد شود آنوقت همان ناظمالتجاری که ادعای وکالت دارد او وکیل است و اگر رد نشود و قبول شود و آنوقت باید تجدید انتخاب شود در این باب کسی مخالفتی دارد

ناصر الاسلام - نظر دارم که آن روز که فرمودید که این مسئله باید بیک کمیسیون که صلاحیت داشته باشد رجوع شود و در این موضوع رسیدگی نماید و نظریات خود را حاضر کند آن وقت اگر مقتضی شد در مجلس مطرح مذاکره شود و بنده معتقدم که به کمیسیون نظامنامه داخلی مجلس که صلاحیتش بیشتر از هر کمیسیون است ارجاع شود

رئیس - آن وقتی که این مذاکرات شد مسئله ناظمالتجاری در میان نبود بعلاوه يك سابقه دیگری داشت که راجع بوکیل دماوند بود چون او استعفا کرد و دیگر این جا رسیدگی نشد ولی شخص شاکی در کار نبود که بگوید من وکیل هستم و او وکیل نیست و حالا اینجا يك همچو ترتیبی پیش آمده است اگر این امر را بکمیسیون رجوع کنیم و عقیده اش این شد که نباید به این کار رسیدگی شود آنوقت یا ناظمالتجاری ادها میکند من وکیل هستم چه خواهند کرد

سردار سعید - بنده اجازه دارم از طرف شعبه عرض بکنم .

رئیس - حالا این مسئله باید تمام بشود بعد که این مسئله معلوم شد اگر از طرف شعبه فرمایشی دارید بفرمائید آقای محمد هاشم میرزا پیشنهادی کرده اند قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در باب انتخاب بم و شکایات ناظمالتجاری در کمیسیون نظام نامه داخلی با حضور بنده تجدید نظر شود و تا راپورت این مطلب از مجلس شورای ملی نگذرد در بم تجدید انتخاب نشود .

رئیس - چه چیز تجدید نظر شود .

محمد هاشم میرزا - اینکه عرض کرده ام تجدید نظر شود تصریح کرده ام که در باب انتخاب بم در کمیسیون نظام نامه داخلی تجدید نظر بشود و تجدید نظر در صورتی میشود که کمیسیون رسیدگی کرده باشد و بنده عقیده ام این بود که از وظیفه شعبه خارج است و عقیده ام اینست که يك مجلسی برای

این مسئله لازم است و محل آنهم بهتر این است کمیسیون نظام نامه داخلی باشد باین کار رسیدگی بکند و به بیند این شخص وکیل است یا ناظمالتجاری زیرا يك کمیسیون مربوطی که تشکیل نشده که این مسئله را بانجا رجوع کنند بنابر این تقاضا کردم که بکمیسیون نظام نامه داخلی رجوع شود و بنده اشکالاتی دارم بانجا رجوع میکنم اگر رفع اشکالات من نشد آنوقت راپورتش بمجلس میآید اگر رد شد یا قبول آنوقت تکلیفش معلوم میشود و از قراری که امروز در روزنامه جات نوشته شده بود تلگراف به بم کرده اند بجای حاج اعتبار السلطنه وکیل انتخاب کنند و حال آنکه این مطلب هنوز مختلف فیه است و حل نشده است بعقیده بنده اگر این کار نشود باز اسباب اشکال فراهم خواهد شد همین طور بیکه رقب او شاکی است آن وقت يك شکایت دیگر پیدا خواهد شد و هنوز رفع يك شکایت نشده يك شکایت دیگر پیدا می شود و آن وقت باید هر دو مسئله حل شود بنابر این بنده تصور میکنم این مسئله اول حل شود بهتر است .

رئیس - اینجا دو مطلب است مسئله اول باید حل شود و بعد در مسئله ثانی مذاکره کنیم مسئله متنازع فیها این است که این کار باید تعقیب شود یا نه یعنی راپورتی که از شعبه در باب وکالت حاج اعتبار السلطنه داده شده بود باید بمجلس بیاید و در آنخصوص رأی بگیریم یا خیر .

اول - این مسئله باید حل شود و بعد برویم به مطلب ثانی چون بعضی عقیده شان این است که راپورت شعبه باید بمجلس بیاید و رأی بگیریم .

محمد هاشم میرزا - عرض بنده این است که راپورت مجدداً در کمیسیون نظامنامه داخلی رسیدگی شود بعد بیاید به مجلس و رأی گرفته شود .

رئیس - پیشنهادی آقای ناصر الاسلام کردند (قرائت میشود) .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این مسئله ارجاع به کمیسیون نظامنامه داخلی مجلس بشود که پس از مطالعه راپورتهای راجع با انتخاب بم عقیده خودشان را بمجلس اظهار نمایند .

رئیس - بنظر بنده در هیچکدام از این پیشنهادها نمیشود رأی گرفت اینست که بنده خودم مسئله را طرح میکنم يك عقیده اینست که راپورت شعبه بیاید بمجلس رأی بگیریم يك عقیده دیگر آن است که بیک کمیسیون رجوع شود و این مسئله با نظامنامه موافق نیست و مخالف است در این صورت حق اینست که این مسئله بیک کمیسیون ارجاع شود که در آن کمیسیون به بیند این مسئله مخالف نظامنامه هست یا نیست آقایانی که تصویب میکنند این مسئله رجوع بشود بعد از آنکه راپورت کمیسیون بمجلس آمد قرار این کار را بگذارند آقایانی که با این ترتیب معتقدند قیام بفرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد و ۳۴ نفر از آقایان رأی دادند بکمیسیون رجوع شود کمیسیون هم اگر مخالفی نباشد کمیسیون نظامنامه داخلی باشد (گفته شد صحیح است) .

(مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۵

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه

۲۴ شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۳

مجلس تقریباً دو ساعت ونیم قبل از غروب در تحت ریاست شاهزاده سلیمان میرزا نائب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز قبل قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسماعیل - آقا سید فاضل

غائبین با اجازه - آقایان حاج میرزا فضلعلی آقا دکتر لقمان

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست (اظهاری نشد) چون نظریاتی نیست صورت مجلس تصویب شد شروع میکنیم بقانون یستی از فصل بیست و یکم (فقره اول از فصل (۲۱) بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل بیست و یکم - حقوق مخصوصه معینه در فصل (۱۹) بققرات ذیل تعلق نمیگیرد

اولا - مطبوعاتی که قائم مقام وجوه نقدینه باشد

نایب رئیس - در قسمت اول نظریاتی هست .

ارباب گویخسرو - در اینجا نوشته شده حقوق مخصوصه در فصل (۱۹) بققرات ذیل تعلق نمیگیرد گویا مقصود از این عبارت این باشد که در این چند فقره که در ذیل این ماده نوشته شده همان حقوق معمولی یست دریافت میشود ولی این عبارت فوق که می نویسد تعلق نمیگیرد این مطلب را نیرساند و مفهوم نمیشود که چیز تعلق نمیگیرد

سخنر - این ماده کاملاً واضح نوشته شده و مقصود این است که اگر مطبوعات باشد ولی مطبوعاتی باشد که قائم مقام و در حکم وجوه نقدینه و یا مضامین آنها طوری باشد که حکم مراسلات شخصی را داشته باشد البته در حکم پاکت خواهد بود و خود ماده باین مطلب تصریح دارد

سردار سعید - اینکه آقای مخبر میفرمایند تصریح دارد بنده عرض میکنم تصریح ندارد زیرا که همینقدر می نویسد حقوق فصل (۱۹) بققرات ذیل تعلق نمیگیرد و معین نمیکند کدام حقوق بآنها تعلق میگیرد و حقوقی که تعلق میگیرد چیست

سخنر - از برای مراسلات و مطبوعات دو قسم حقوق بیشتر قائل نشدیم يك حقوق مخففه و يك حقوق معمولی حقوق مخففه مختص بمطبوعات و اوراقی است که در فصل نوزدهم ذکر شده و حقوق معمولی حقوق مراسلات و نوشتجات است در اینجا مقصود این است که حقوق مخففه بققرات ذیل تعلق نمیگیرد بلکه حقوق معمولی بآنها تعلق خواهد گرفت

ارباب گویخسرو - در اصل مطلب کسی مخالفت ندارد مخالفت در عبارت است بنده گمان میکنم قانون را باید بطوری نوشت که در بیان مقصود صریح باشد نه اینکه هر قسمتی که میخواهند تأویل بردار باشد اینجا مینویسد تعلق نمیگیرد باید واضح و معلوم باشد که چه چیز تعلق نمیگیرد که آن حقوق تعلق نمیگیرد بنده هیچ ضرری نمی بینم که در این باب مراجعه و دقتی بشود و بر آن عبارتی بیفزایند که صریح در مقصود باشد دیگر اشکالی ندارم